



قوه قضایه

سلسله نشست‌های تدریسی
(پژوهشگاه حقوق عمومی و بین‌الملل)

سوء استفاده از ضابطه تشخیص اشخاص غیر رشید

۹۷۶۰۲۰۳

پژوهشگاه قوه قضایه

سرشناسه

: صادق‌نژاد نائینی، مجید، ۱۳۶۳ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور

: سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص غیررشید/ تهیه و تنظیم مجید صادق‌نژاد.

مشخصات نشر

: تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری

: ۵۴ ص: ۹/۵ × ۱۹/۵ س.م.

فروست

: سلسله نشست‌های نقد رای (پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی).

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۸۵-۸۵-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع

: اهلیت و حجر - ایران

موضوع

Capacity and disability -- Iran

موضوع

: عقب‌ماندگان ذهنی - ایران - حقوق مدنی

موضوع

People with mental disabilities -- Civil rights -- Iran

موضوع

: عقب‌ماندگان ذهنی - وضع حقوقی و قوانین - ایران

موضوع

People with mental disabilities -- Legal status, laws, etc. -- Iran

موضوع

: حقوق جزا - ایران - دعاوی

موضوع

Crime law -- Iran -- Cases

موضوع

: حقوقيه - ایران - خلاصه آرای قضایی

موضوع

Criminal law -- Iran -- Digests

شناسه افزوده

: ایران، قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات

رده بندی کنگره

: ۵۱۱۴ / اس ۹ / ۱۳۹۶

رده بندی دیویی

: ۵۵/۳۴۶

شماره کتابشناسی ملی

: ۴۷۰۵۷۳۲



وب سایت: www.ijrl.ir کدپستی: ۱۹۸۱۰۶۵۱۴ تلفن: ۰۲۱-۲۲۰۹۲۰۶۱

نشانی: بزرگراه چمران، بزرگراه یادگار امام، بعد از خروج از رکه، روهشگاه قوه قضائیه

عنوان : سوءاستفاده از ضعف نفس اشخاص غیررشید

تهیه و تنظیم: دکتر مجید صادق‌نژاد

ویراستار ادبی: مریم نوری نیگجه

ناشر: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه

قیمت: ۱۷۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۴۸۵ - ۸۵ - ۸

تیراژ و نوبت چاپ: ۱۰۰۰ - چاپ اول خرداد ۱۳۹۷

واحد بازرگانی:

فروشگاه و نمایشگاه دائمی: تهران - خیابان حافظ - نبش خیابان سمیه - ساختمان شماره ۳ قوه قضائیه

تلفن: ۰۲۱-۸۸۱۹۹۹۰۴ - فکس: ۰۲۱-۸۸۱۹۹۹۱۳

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۳	 متن نشست
۴۷	 مع مرتبط با مباحث مطرح شده در جلسه

www.ketab.ir

شهروندان ناتوان، از جمله افرادی که دچار معلولیت ذهنی و جسمی هستند، بیش از دیگران در معرض بزه قرار دارند؛ از این رو قانونگذاران ایران، دسته از افراد را مورد حمایت قرار داده‌اند. افراد عادی جامعه معمولاً صلاح خود را تشخیص می‌دهند و فرض بر این است که معاملات و به‌ویژه کلی توافقات آنها با دیگران به درستی و با رضایت آنان صورت گرفته است، اما اشخاصی که دچار کمبود توانایی جسمی یا روحی هستند، ممکن است با داده آزاد با دیگران توافق نکنند.

به این ترتیب ممکن است افراد سودجو و طمع‌کار به فکر اغفال این دسته از افراد و بُردن مال آنها بیفتند. براین اساس قانونگذار ایرانی با تدوین مقرراتی به مبارزه با سوءاستفاده‌کنندگان پرداخته است. ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۶ (بخش تعزیرات) در این خصوص مقرر کرده است: «هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوایج شخصی افراد غیر، سبب ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هرگونه نوشته‌ای که موجب التزام و یا برائت ذمه‌گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود، به هر نحو تحصیل کند، علاوه بر جبران خسارات مالی، به حبس از شش ماه تا دو سال و یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب، ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود».

حقوقدانان به تبعیت از قانونگذار کیفری این جرم را از عداد جرایم علیه اموال و مالکیت می‌دانند و در خصوص ماهیت آن اختلاف نظر

دارند. از حیث ماهوی، برخی آن را کلاهبرداری، برخی خیانت در امانت و عده‌ای نیز جرم خاص تلقی می‌کنند. از مقایسه این جرم با کلاهبرداری، خیانت در امانت و به طور کلی با جرایم علیه اموال این نتیجه حاصل می‌شود که موضوع این جرم اصلاً مال نیست، بلکه حمایت از خود محجور است.

متن ماده ۵۹۶ قانون تعزیرات که در سال ۱۳۷۵ بازبینی و تصویب گردید، دارای ابهامات زیادی است که موجب تحلیل و تفسیرهای گوناگونی شده است. برای نمونه، صدر ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی د ۱۳۱ با این مطلب که "هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هون و رس یا حوایج شخصی افراد غیررشید..." موجد این شبهه شده است که موضوع این جرم هم اشخاص رشید و هم غیررشید است. برخی اساتید معتقدند به بررسی دقیق ماده نشان می‌دهد که اشخاص رشید از شمول مادهٔ مورد بحث خارج هستند. بخش انتهایی ماده که به دارندگان وصایت، ولایت یا قیمومت اشاره نموده است، می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه هدف مقنن در این ماده صرفاً حمایت از افراد غیررشید بوده است و الا در مورد افراد رشید بحث از ولایت و قیمومت پیش نمی‌آید. لذا حرف (ی) در عبارت (ضعف نفس شخص) را باید یای نسبت دانست.

مطلب دیگر این است که قانونگذار در این ماده واژه (غیررشید) را نه در معنای خاص آن که معادل واژه سفیه است، بلکه در معنای عام آن که در برگیرندهٔ سفیه، مجنون و نابالغ است به کار برده است. زیرا در صورت تمایل قانونگذار به منحصر کردن حکم به سفیهان، استفاده از کلمهٔ سفیه به جای غیررشید اولی بود. به علاوه اینکه از میان این سه طبقه، سفیهان کمتر از سایرین نیازمند حمایت قانونگذار می‌باشند. زیرا بجز عدم برخورداری از عقل معاش، از ضعف جسمانی یا روانی دیگری

برخوردار نمی‌باشند، در حالیکه اشخاص نابالغ یا مجنون در این زمینه‌ها نقص کلی دارند. بنابراین معقول نیست که قانونگذار از گروهی که کمتر نیاز به حمایت دارند حمایت کرده ولی دو گروه دیگر را به فراموشی سپرده باشد. لذا صغار و مجانین نیز به رغم عدم ذکر آنها در کنار اشخاص غیررشید، می‌توانند بزه‌دیده این جرم واقع شوند.^۱ این امر تا جایی است که قنن ورود ضرر بالفعل به شخص غیررشید را لازم ندانسته است، بلکه عرف احتمال ورود ضرر، یعنی ضرر بالقوه، کفایت می‌کند.

♦ مقنن در سالهای ۱۳۰۴ و ۱۳۶۲ جرم سوءاستفاده از ضعف نفس یا حوائج شخصی افراد غیررشید را صورت خاص از خیانت در امانت تلقی کرده است. این مقنن در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، ماده راجع به موضوع مورد بحث را از اصل راجع به خیانت در امانت به فصل راجع به (ارتشاء ربا و کلاهبرداری) منتقل کرده است. این کار، با توجه به اینکه در جرم مورد بحث عنصر بردن وجود ندارد بلکه نوعی حیل‌گری و فریب‌کاری نسبت به قربانی مساهم می‌شود، کار درستی بوده است. بدین ترتیب این جرم را باید از صور خاص کلاهبرداری و نه خیانت در امانت به حساب آورد.

به طور کلی، در مورد سیاست جنایی مقنن در خصوص این ماده باید بیان داشت که در واقع، مقنن کلیه افراد جامعه را نسبت به نوشتجات یا اسناد متعلق به اشخاص غیررشید امین محسوب نموده است و آنان را از سوءاستفاده از این نوشتجات یا اسناد بر خوار داشته است. در همین راستا باید توجه داشت که مشارکت دادن افراد جامعه در

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک. میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (۲) جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات میزان، چاپ سی و هشت، زمستان

اعلام یا گزارش جرم باعث سرعت بیشتر در رسیدگی به جرم خواهد شد و در عین حال اشتباهات را کاهش خواهد داد. این مسأله زمانی که جرم علیه بزه‌دیدگان ناتوان ارتکاب پیدا می‌کند، اهمیت بیشتری می‌یابد زیرا این افراد قادر به اعلام و گزارش دادن جرم ارتكابی نیستند. به بیان دیگر، جرایم علیه ناتوانان بزه‌دیده به‌گونه‌ای است که در بیشتر موارد، روند کشف این جرایم و یا پی‌بردن به چگونگی ارتکاب آنها به دلیل ناتوانی بزه‌دیده، متوقف می‌شود. بنابراین با مشارکت دادن افرادی که به نحوه وقوع جرم علیه ناتوانان، مطلع باشند، می‌توان از وقوع دوباره جرم علیه آنها جلوگیری کرد. در این راستا، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در مواد متعددی، این قانون به این مهم توجه داشته است و تکالیفی را در این خصوص برای پلیس و نهادهای مقرر نموده است. برای نمونه در ماده ۶۶ خود می‌رود که در صورتی که سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌تواند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل حل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آراء مراجع قضایی اعتراض نمایند.

۱. در این خصوص همچنین ر.ک. ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه‌دیده مجبور می‌باشد و یا در صورتی که شاکی نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به مجبور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. این حکم در مواردی که بزه‌دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است. ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه‌دیده

به هر حال توجه به بزه‌دیدگان به طور کلی و بزه‌دیدگان ناتوان از لحاظ جسمی و روحی از سوی دیگر، باید از اولویت‌های سیاست جنایی هر کشوری باشد. یکی از مواد قانونی که در این خصوص در قانون تعزیرات ۱۳۷۵ آمده و در بالا راجع به آن توضیح دادیم، ماده ۵۹۶ است که دارای ابهامات زیادی است که بعضاً باعث تفسیرهای بسیار مختلف و متضاد می‌گردد. در همین راستا، پژوهشگاه قوه قضاییه مبادرت به تشکیل جلسه‌ای در مرکز آموزش قضات تهران با رویکرد نقد و تحلیل رأی قضایی نمود تا این موضوع مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

مهم‌ترین مباحث و سؤالاتی که در این جلسه مورد بررسی قرار گرفت عبارتند از:

- منظور از وارث سیر رسید در ماده ۵۹۶ قانون تعزیرات چیست؟
- حرف (ی) در عبارت «ضعف نفس شخصی»، یای «نسبت» است یا «وحدت»؟
- آیا ورود ضرر شرط تحقق این ماده است؟
- آیا حکم حجر صادره توسط دادگاه حقوقی برای مرجع کیفری الزام‌آور است؟
- ضرورت توجه به هدف مقنن و اراده قانونگذار در تفسیر مواد قانون مجازات اسلامی.

پژوهشگاه قوه قضاییه

پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی

طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکنند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهنولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند در این صورت، موقوف شدن تعقیب در خصوص افراد محجور یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.